

مقاله علمی

(بوطیقای معماری، سال اول، شماره دوم)

بررسی مفهوم محیط‌زیست و طبیعت در باغ ایرانی با استناد به رویکرد محیط‌شناسی تعهدی

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۵/۲۹

زمان دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱/۱۲

عصمت‌السادات هاشمی^۱ - دانشجوی دکتری مدیریت محیط‌زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



نشریه علمی بوطیقای
معماری، سال اول، شماره
دوم

۴۹

چکیده

دیدگاه معرفتی ایرانیان در طرح‌ریزی و احداث باغ و پردیس می‌تواند در بستر رویکردهای گوناگون مورد ارزیابی و بازبینی قرار گیرد که در این میان دو رویکرد «محیط‌شناسی اقلیمی» و «محیط‌شناسی تعهدی» از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند. از سویی دیگر ایرانیان هرگز تعامل و نحوه برخورد خویش با محیط را جدای از فرهنگ و دین خود ندیده‌اند و در بستر همین امر است که معماران باغساز ایرانی در صدد برآمده‌اند تا معنایی تمثیلی از بهشت را در باغ و پردیس‌سازی ایرانی به نمایش درآورند. بر این اساس در این مقاله در رویکردی تحلیلی تطبیقی و با استناد به آیات قرآن کریم و تفاسیر و روایات تلاش شده است تا با اشاره به دیدگاه قران کریم از بهشت و باغ‌های بهشتی به تاثیرات این مفاهیم علوی در عناصر و مولفه‌های باغ ایرانی اشاره شود تا بر این امر صحه گذارد که محیط‌شناسی تعهدی در باغ و پردیس‌سازی ایرانی اسلامی تاثیرگذار بوده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که طبیعت باغ ایرانی مفهومی تمثیلی از بهشت دارد که خود را در عناصر باغ‌های ایرانی بالاخص چهار باغ‌های عصر صفوی به نمایش می‌گذارد.

واژگان کلیدی: قران کریم، بهشت، محیط‌شناسی تعهدی، باغ ایرانی و پردیس‌سازی.

^۱ مسئول مکاتبات (نگارنده اول)، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۵۸۶۹۹، رایانامه: esmat.hashemi87@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مساله

بطور کلی دو دیدگاه معرفتی، ایرانیان را در رسیدن به فکر طرح و احداث باغ ایرانی یاری می‌دهد: «۱- محیط‌شناسی اقلیمی و ۲- محیط‌شناسی تعهدی». در دیدگاه اول هنر باغ و پردیس سازی همانند معماری تابع عوامل و شرایط طبیعی هر محیط بوده است و باغ ایرانی، به شکل مجموعه‌ای به هم پیوسته، فراهم‌کننده شرایط مساعد آب و هوایی برای رشد و گسترش فضای سبز، تولید رطوبت و اکسیژن، و تنظیم شرایط اقلیمی و محیطی عمل می‌کند. فراتر از مسائل مربوط به اقلیم، در دیدگاه بعدی محیط‌شناسی تعهدی مطرح می‌گردد که در آن فرهنگ و اعتقاد ایرانی اسلامی منبای این محیط‌شناسی قرار می‌گیرد، چنانچه محیط‌شناسی اقلیمی مقدمه‌ای برای این محیط‌شناسی تعهدی قرار می‌گیرد. از سویی دیگر، ایرانی هرگز تعامل و کنش خود با محیط را جدا از فرهنگ و دین خود ندیده است و این دو عامل همواره در کنار یکدیگر در باغ ایرانی معنا پیدا می‌کند. با توجه به مفهوم حکمت که قرار دادن هر چیز در جایگاه خویش است، باغسازی ایرانی نه اقدامی تفننی بلکه حرکتی حکیمانه بوده و در رویکردی علمی انجام می‌شده است. در باغ ایرانی، هر چیز در جایگاه شایسته و بایسته خویش قرار گرفته است. استفاده از مواد و مصالح، گیاهان، آب، هندسه و عناصر باغ بسیار آگاهانه صورت گرفته است و شناخت عمیق ایرانی از محیط زیست و اقلیم، جهت صحیح استفاده از مصالح را نشان می‌داده است، به گونه‌ای که باغ ایرانی از نوعی طراحی اقلیمی متعالی برخوردار بوده است. طرح و انتخاب گیاهان باغ ایرانی، خود نشان از هوشمندی و دانش ایرانی دارد، چنانچه هر گیاهی را در هر کجای باغ کاشته نمی‌شده است. این امر را می‌توان به این دلیل دانست که هم زیبایی بسترهای کاشت باغ فراهم می‌شد و هم مصارف دارویی گیاهان مورد توجه قرار می‌گرفت. در مکان‌گزینی باغ ایرانی مکان‌هایی برای ساختن باغ استفاده می‌شد که به لحاظ قابلیت‌های محیطی دارای استعداد بالقوه باغسازی بودند و علاوه بر این، باغ و پردیس نمادی متعالی از به تصویر در آوردن کالبدی بهشت بر زمین خاکی بود که در این گفتار تلاش می‌شود تا با رجوع به قرآن کریم و آیات و احادیث و روایات موجود به این نکته پرداخته شود که محیط‌شناسی ایرانی صبغه‌ای دینی و روحانی هم در کنار محیط‌شناسی اقلیمی و بومی دارد، چنانچه باغ ایرانی مفهومی نمادین و تمثیلی از بهشت دارد (Khansari et al, 1998).

۲- روش‌شناسی و پیشینه تحقیق

در این گفتار، در رویکردی تطبیقی تحلیلی، دیدگاه انسان از جهان آخرت و تصور او از بهشت را بررسی و تاثیر این دیدگاه‌های تمثیلی منتج از سنت‌های فرهنگی و اعتقادات مذهبی در خلق باغ‌های ایرانی مورد نقد و تحلیل قرار داده می‌شود تا انطباق یا عدم انطباق آن در مقام مقایسه با سایر عوامل موثر در شکل‌گیری باغ ایرانی ارزیابی شود. بر این اساس در انطباق با کتب دینی اساطیری و ادبی که در آن‌ها اعتقاد به بهشت و توصیف آن ارایه شده است، به دیدگاه انسان ایرانی از بهشت و باغ پرداخته می‌شود و مهمترین ارزش‌های باغ ایرانی که متأثر از این دیدگاه است، بیان می‌شود.



۳- ادبیات تحقیق

۳-۱ باغ ایرانی و تصاویر بهشتی

باغ ایرانی مجرابی به درونی‌ترین لایه اندیشه و خیال و تعبیری حکیمانه از جهان بینی ایرانی قلمداد می‌شود. در جهان بینی اسلامی، طبیعت مرتبه‌ای از سلسله‌مراتب کلی وجود است و سیر در آن مرحله‌ای از سلوک در راه معرفت می‌باشد. اقوام آریایی باغ‌هایی را در اطراف بنای معماری خویش می‌ساختند که آن‌ها را «په اره دئسه» می‌نامیدند که به معنای پیرامون دژ یا «دیس» بود. دیس به معنای بنا و کسی که دیس را می‌ساخت، دیسا یعنی بنا نامیده می‌شد. فرمانروایان و معماران ایرانی نیز ملزم به ساخت چنین باغ‌هایی برای خویش بودند، چنانچه یکی از این «په اره دئسه»ها یا «پردیس»ها، باغ‌های ساخته شده دوران خشایار شاه بوده است که بعدها پارادایز نیز نامیده می‌شده است. جالب این‌که کلمه بهشت یا «وهشت» به معنای بهترین زندگی است که به صورت باغی سرسبز، خرم و زیبا مجسم می‌شده است (پیرنیا، ۱۳۷۳، ص ۵). از سویی دیگر از دید ایرانیان، طبیعت تمام شرایط لازم برای هس - تی را فراهم آورده است که در آن شرایط بایسته و شایسته، عوامل قاطع در فرآیند ظهور پدیده‌ها و همچنین شکل‌یابی زندگی و محیط‌زیست در نظر گرفته می‌شده است. بر این اساس می‌توان اشاره داشت که ساختار کامل باغ ایرانی در محیط‌زیست انسانی، بیانگر رابطه‌ای تنگاتنگ و پایدار میان طبیعت و جهان بیسی ایرانی است که در این میان حکمت به عنوان حلقه ارتباط دهنده این عوامل بوده است، چراکه تنها در این صورت است که علم با تأثیرش بر محیط به صوری متعالی‌تر متجلی می‌شود و انسان را در رسیدن به معرفت و کمال یاری می‌نماید. برای این مفهوم باغ، واژه‌های جنت، فردوس، بهشت یا رضوان نیز کاربرد داشته است و در فارسی قدیم نیز واژه «پالیز» به همین معنا بکار برده می‌شده است، چنانچه فردوسی آورده است: وز آنجا به پالیز بنهاد روی (پیرنیا، ۱۳۷۳، ص ۵). بر این اساس بوده است که ایرانیان تصور ذهنی خویش از بهشت را که در ازای اعمال نیک به آن‌ها بخشیده می‌شده است، در باغ‌هایی سرسبز و خرم به تصویر کشیده اند، چنانچه بقول زنده یاد محمدرکیم پیرنیا در بهشت کوثر هست و درختان و گل‌ها و جویبارها و در باغ نیز آب روان خوش و گل‌های زیبا و درخت‌هایی که می‌توان در سایه آن‌ها آرمید و این همه محصور در دیواری که مانع ورود جهنمیان به آن می‌شود که این مفاهیم در باغ‌سازی ایرانی تأثیرگذار بوده است. پیش از شروع بحث لازم بنظر می‌رسد تا رابطه میان درک بشری و معنای بهشت مورد اشاره قرار گیرد که در ادامه به این مفهوم پرداخته می‌شود.

۳-۲ بهشت و انسان

بهشت، مکانی است که ارواح نیکوکار در آن به سعادت جاوید می‌رسند. این دیدگاه از ابتدای تاریخ با بشر بوده و مهمترین تفکرات وی درباره حیات پس از مرگ را بخود اختصاص داده است. با وجود آن‌که بهشت هیچ‌وقت به میزان جهنم در اعتقادات بشر و ضوح نداشته است، ولی در اکثر آن‌ها به بهشت بعد از مرگ پرداخته شده که به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:



- در مصر باستان اوزیریس خدای بزرگ ارواح و قلمروهای خاص او چمنزارهای یالو بهشت جمله ارواح نیکوکار مصری بوده است.
 - در میتولوژی یونان تنها قسمتی از دوزخ بنام الیزئوس بهشت ارواح نیکوکار بشمار می‌رفت که همان نامی است که به اروپا رسیده و مترادف با بهشت است مانند شانزه لیزه و میدانهای الیزه‌ای.
 - در نزد کلدانیان و آشوریان نیز روح مرده پس از فراموشی حیات زمینی به شهر مردگان که هفت برج و بارو دارد، رفته و پس از محاکمه در صورت رو سفید در آمدن از قضاوت فرمانروای آن دیار، اجازه می‌یابد همانند پرندگان شبانه در شفق جاودان پرواز کند و در جزایر سعادت که در مصب رودخانه ای که به سرزمین مردگان می‌رود، آشیان گیرد.
 - در هنرهای، اندیشه «ودایی» به شناخت هستی و روح در حیطه کائنات و جهان ارواح می‌پردازد (ناس جان، ۱۳۷۰، ص ۱۸۷) و برای رهایی از زندگی پوچ و مناسبات اعتباری آن که «سانسارا» نام می‌گیرد، از گردونه تناسخ «کارما» رهایی می‌جوید و برای ورود به قلمروی بیداری روحانی و کشف حقیقت وجود خویشتن در راه اتصال به حقیقت هستی به وادی بینایی «ویدیا» قدم می‌نهد تا در پی جهادی روحانی و کسب فضایل به آرامش و سکون «نیروانا» دست یابد، چنانچه بر اساس دو اصل برهمن و آتمان روح باید مجرد شود و در طی تناسخ‌های مکرر نهایتاً کل خود را بیابد.
 - در چین نیز ارض غربی سعادت با هفت حصار، هفت ایوان، کاخ‌های پر از استخر آراسته یا کوه مرموز کتوئن- لوئن با کاخ نه طبقه یشمی و باغ‌هایی با درختان هلو و یا با میوه حیات در نظر گرفته می‌شده است.
 - در آیین کهن ژاپن درباره بهشت توصیف مشخصی یافت نمی‌شود، چنانچه پیش از غلبه آیین بودایی اعتقاد بر این بوده است که بهشت جایی در آسمان قرار دارد و با پلی به زمین متصل بوده، اما زمانی (در هنگام خواب خدایان) این پل در دریا ریخته و دماغه کیوتو از آن پدیدآمده است (دانته، ۱۳۳۵، ص ۴۴).
 - طبق عقاید زردشتی برزخ میان زمین و طبقه ستارگان است. بهشت در ستاره پایه طبقه ستارگان و از انجا به بالا است. بهشت واقعی در خور شید پایه است و ایزدان مینوی در آن جای دارند. این اعتقاد که گاه «ابر پایه» نیز بدان اضافه می‌شده است که با نفوذ نجوم بابلی بر نجوم ایرانی، به هفت پایه (ابر پایه، سپهر اختران، سپهر ستارگان، ماه پایه، خور شید پایه، گاه امشاسپندان و روشنی بیکران) تغییر یافته است (بهزادی، ۱۳۶۸، ص ۲۳۹).
- هر چند که اعتقاد به دنیای پس از مرگ و بهشت در ایرانیان قبل از اسلام وجود داشته است، ولی این که با تصاویر باغ در دنیای واقعی به چه میزان تطابق داشته است، نیازمند تحقیقات جامع و مانعی است و در این جا تنها به بیان مطلبی (اقتداری، ۱۳۵۳، ص ۷۲) از «م.پیلیه» خاطرات باستان شناسان فرانسوی در ایران درباره کاخ داریوش در شوش اشاره می‌شود: باغ‌های کاخ که به بهشتهای شوش



مشهور شده اند، باید در قسمت‌های شمالی تپه‌های شوش از آن‌ها سراغ بگیریم و این‌که این باغ‌ها را بهشت گفته‌اند گزافه نیست، زیرا در این مناطق سوزان وجود چنین باغ‌ها با درختان درهم و پر سایه نادر بوده است و فقط پادشاهان مقتدر آن‌زمان قادر بوده‌اند چنین باغ‌هایی را بوجود آورند.

۳-۳ بهشت در ادیان الهی

بهشت آدم: همه ادیان الهی انسان را موجودی رانده شده از بهشت (بهشت امتحان) می‌دانند و او را به بهشت موعود وعده داده‌اند. بهشت آدم در اعتقاد اسلامی غیر از بهشت موعود (آخرت) می‌دانند و معتقدند که در آسمان بوده نه در قسمتی از کره زمین و در حقیقت نوعی بهشت برزخی است.

بهشت در دین یهود: در دین یهود تنها از بهشت آدم نام برده شده است، چنان‌چه آورده شده است (دانت، ۱۳۵۳، ص ۴۷): بهشت زمینی از دیدگاه یهود جایی است که خدا انسان را در آن آفرید و پس از خوردن میوه ممنوعه توسط انسان از این باغ عدن اثری نماند. این باغ ظاهراً در ناحیه بین‌النهرین قرار داشته و دجله و فرات دو رود از رودهای چهارگانه آن بوده‌اند و دو درخت خاص این باغ درخت زندگی و درخت معرفت نیک و بد است.

بهشت در دین مسیحی: مسیحیت معتقد است خداوند انسان را معصوم و کامل آفرید ولی بر اثر خوردن میوه ممنوعه توسط آدم و حوا، دروازه ملکوت آسمان بر روی همه فرزندان آدم بسته ماند و حتی پیغمبران بنی‌اسرائیل پس از مرگ تا ظهور عیسی مسیح، در قسمتی از برزخ یا اعراف قرار داشتند و به ملکوت آسمان راه نیافتند. با حلول عیسی به قالب انسانی، او با تحمل رنج شکنجه و شهادت گناه اصلی یا گناه آدم را واخرید کرد و از این پس است که ارواح بشری به بهشت یا جهنم راه خواهند یافت. در انجیل در دوجا از آسمان به صورت فردوس نام برده شده و با این ترتیب این نظر که بهشت در آسمان است، تایید شده اما علی‌رغم این مطلب در عالم مسیحیت تصویر روشنی از بهشت ارایه نشده است.

۳-۴ بهشت در دین اسلام

قران کریم در حدود ۳۸۶ آیه با بکارگیری کلمات مترادف بهشت: جنة، الجنة، جنات، جنتین، حدائق و اجزای بهشت «الانهار و العیون» و ... به معرفی بهشت پرداخته است که در ۸۱ مورد به بهشت‌های زمینی و ۳۰۶ مورد بهشت و دنیای آخرت را توصیف کرده است و ۴ مورد از توصیفات بهشت‌های زمینی و اخروی با هم مشترک می‌باشد. ذکر این نکته نیز لازم است که در اکثر آیاتی که باغ و بهشت دنیوی توصیف شده است، به قدرت و حکمت خدای متعال و دل‌ن بستن به جهان مادی اشاره شده است.

۴- بیان یافته‌های تحقیق

در راستای ارزیابی میزان تطبیق محیط‌شناسی ایرانیان و توصیف‌های قرآنی که در هنر باغ و پردیس سازی ایران خود را نشان می‌دهد، لازم است تا با بازنگری و بازبینی مفاهیم مرتبط با بهشت، به چگونگی و میزان تاثیر این مفاهیم در عنا صر و مولفه‌های باغ ایرانی اشاره شود. بر این اساس و



برای بررسی این امر، تحقیق جامع در آیات و تفاسیر قرآن کریم که به توصیف بهشت پرداخته‌اند، صورت گرفته است که در ادامه به آن‌ها به اشاره می‌شود.

۴-۱ آب در بهشت و انطباق آن با باغ‌های ایرانی

جریان آب در باغ و پردیس سازی ایران استفاده‌های گوناگونی را برای انسان فراهم می‌آورد: الف. استفاده جسمانی که خود شامل استفاده دیداری و شنیداری می‌شود. ب. استفاده روحانی که بهره‌مندی متعالی و پالایش و آسایش روانی را در پی دارد. علاوه بر این همین بکارگیری آب در باغ‌سازی ایرانی است که از مهمترین موارد تمثیلی بهشت در باغ ایرانی بشمار می‌رود که در آرای جهانگردان خارجی نیز بازتاب داشته است چنانچه «بنجامین» می‌گوید: «جهانگرد درحالی که ساعت‌ها در یک صحرای خشک و سوزان طی طریق کرده است، ناگهان در مقابل خود وسط صحرا آبادی را می‌یابد، سبز و خرم و با هوای لطیف که رودخانه کوچکی با آب گوارا از میان آن می‌گذرد و مانند آنست که ناگهان وارد بهشت کوچکی شده باشد» (بنجامین، ۱۳۶۳، ص ۴۴). در آیه ۱۵ سوره محمد، بهشت متشکل از ۴ رودخانه بیان می‌گردد:

- ۱- رودخانه‌ای از آب زلال که هیچ وقت قطع نمی‌شود (انهار من ماء غیر اسن)؛
- ۲- رودخانه‌ای از شیر که مزه آن هیچ وقت تغییر نمی‌کند (انهار من لبن لم تغییر طعمه)؛
- ۳- رودخانه‌ای از شراب (انهار من خمره الشاربین)؛
- ۴- رودخانه‌ای از عسل (انهار من عسل مصفی).

باغ‌سازی ایرانی نیز سرشار از کاربردهای آب در قالب چشمه‌ها و انهار، حوض‌ها و فواره‌ها و آبشارهایی است که زیبایی باغ‌های ایرانی را افزایش می‌دهد. در قرآن کریم و تفاسیر نیز از چشمه‌ها و انهار و حوضهای باغ‌های بهشتی یاد شده است که گویی بکارگیری این کاربردهای آب در باغ ایرانی، می‌تواند تمثیلی از تصاویر باغ‌های بهشتی باشد که هنرمند معمار ایرانی تلاش داشته است تا به گونه‌ای ادراک و تجسم ذهنی خود را از بهشت برین در پهنه خاک به تصویر و تجسم کشاند.

زیباترین توصیف بهشت با بکاربردن ترکیب «جنات تجری من تحتها الانهار»، حاصل شده است که نقطه عطف تصاویر بهشتی است که به معنی باغ و پردیس‌هایی است که دائماً از زیر درختان و قصرهای آن (نه زیر زمین آن)، جویهای آب جاری است. این مفهوم در ۴۱ جای قرآن آورده شده است که در ۳۷ مورد آن، ترکیب لغوی «بهشت اخروی با نهرهای جاری»، بکار رفته است. باغ ایرانی از ترکیب آب جاری و پوشش درخت، واحه‌ای در دل طبیعت خشک ایجاد می‌کند که می‌تواند تمثیلی از مناظر خرم و سرسبز باغ‌های بهشتی باشد که با التفات به تضاد محیط کویری ایران و سرسبزی و چشم‌نوازی و طراوت باغ قابل درک و پذیرفتنی است. در قرآن کریم نیز برای بهشت توصیف‌هایی آورده شده است که مهمترین آن، وصف نهرهای چهارگانه بهشتی است که از زیر غرفه‌های بهشتی جاری است؛ چنانچه اساس طرح‌ریزی هندسی باغ ایرانی به صورت چهار باغ (چهار نهر)، و چگونگی حرکت‌دهی آب در باغ بر اساس همین امر استوار می‌شده است. چنانچه در بالا اشاره شد، این چهار نهر با عناوین «نهرهایی



از آب زلال، نهرهایی از شیر و نهرهایی از شراب و نهرهایی از عسل» وصف شده اند. علاوه بر این، ابن بطوطه (۱۳۱۷، ص ۳۴ و ۴۰۶) در سفرنامه خود از نیل، فرات جیحون و سیحون (چهار رودخانه دنیوی) به عنوان رودهای بهشتی یاد می‌کند و به حدیثی از پیامبر اکرم در تفسیر سوره مذکور اشاره می‌کند. بر این اساس بی‌هیچ تردیدی می‌توان جریان آب در باغ و حرکت آن در چهار مسیر را انگاره معمار و باغساز ایرانی از مفهوم نمادین چهارنهر بهشتی دانست که در باغ ایرانی به کار گرفته شده است.

۲-۴ آبشارها در بهشت و انطباق آن با باغ‌های ایرانی

آناهیتا الهه آب در اعتقادات ایرانیان همواره حضور داشته است و این امر در ایران باستان نیز در اعتقاد ایرانیان به عناصر اربعه (آب، آتش، باد و خاک) خود را نشان می‌دهد. چنانچه استفاده از آب در باغ ایرانی که در مظهر خود به چهار قسمت تقسیم می‌شود، بهشتی در دل بیابان می‌آفریند. آب در باغ ایرانی در جوی‌ها، سینه‌کبکی‌ها، فواره‌ها، استخرها و شترگلوها جریان دارد. جوشش آب در باغ ایرانی تنها خصلتی نمادین نداشته است، بلکه به صورت ذکری دائمی، جوشش هستی را متذکر می‌شود. این خصلت نو شدن عالم، در ادبیات به صورت فراشکر آمده است که با واژه فرش fresh هم ریشه است و معنای نو کردن و پاک کردن را دارد.

بر این اساس، یکی دیگر از تصاویر زیبا در چگونگی بکارگیری آب در باغ‌سازی ایرانی، نمایش فرمی و صوری آبشارهایی است که در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره واقعه، چنین به آنها اشاره شده است: «و ظل ممدود و ماء مسکوب» و (اصحاب یمین) در سایه گسترده و کشیده در کنار آبشارها قرار دارند. این تصویر از بهشت، سایه درختان با ترنم آبشارها را به ذهن متبادر می‌کند که در اکثر باغ‌های ایرانی مشاهده می‌شود، چنانچه آب جاری در جویبارها و جوی‌های کم شیب و مارپیچ بحرکت در می‌آمده است و از آبشارهایی که کف آن‌ها از تخته سنگی با تراش سینه کبکی تشکیل می‌شده است، فرو می‌ریخته است و تصاویری بدیل از موج‌های زیبا و ترنم دلنشین باغ‌های بهشتی را ایجاد می‌کرده است که نمونه آن در باغ قدمگاه نیشابور با آبشارها و سنگ‌های سینه کبکی قابل شهود است.

۳-۴ چشمه‌ها در بهشت و انطباق آن با باغ‌های ایرانی

چشمه‌های آب جاری را می‌بایستی از چشم‌نوازترین توصیفات قرآن کریم از باغ‌های بهشتی بشمار آورد که در باغ و پردیس‌سازی ایرانی نیز نمود و جلوه‌ای درخور تحسین دارد. این امر در دنیای مادی نیز بعنوان منشا حیات و احداث باغ بهشت مادی از اساسی‌ترین اصول بشمار می‌رود که در قرآن کریم و تفاسیر نیز بارها به چشمه‌های بهشتی اشاره شده است، چنانچه در قرآن کریم نیز دو بار از معجزه حضرت موسی در جاری کردن دوازده چشمه آب یاد شده است. اهمیت آب و چشمه‌های جاری در زندگی مادی انسان در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است، چنانچه به عنوان منشا قدرت الهی بشمار رفته است. مفهومی نمادین از این تصویر قرآنی از باغ‌های بهشتی در باغ‌های ایرانی به قدر محدود و ثابت به‌منصه ظهور رسیده است، چنانچه در باغ ایرانی آب را به درون زمین برده و از مکان‌هایی خاص به بیرون جاری می‌کرده‌اند. لازم به ذکر است که معمولاً آب در باغ ایرانی



به وسیله کاریز تامین می شده است و باغ در مظهر قنات واقع می شده و این امکان را فراهم می کرده است که آب از محلی خاص از درون زمین بیرون آمده و جاری شود اگرچه این گونه تمهیدات به صورت بسیار متنوعی با استفاده از لوله های تنبوشه سفالی ایجاد می شده است که نمونه آن را در باغ فین کاشان دیده می شود (روحانی، ۱۳۷۱، ص ۲۷).

۴-۴ حوض ها در بهشت و انطباق آن با باغ های ایرانی

کلمه کوثر در آیه (انا اعطیناک الکوثر: سوره کوثر آیه ۱) را به معنای نهری در بهشت و حوض خاص رسول خدا (ص) در بهشت و یا صحرای محشر دانسته اند، چنانچه نهر یا حوض کوثر چنانچه در بعضی از روایات آمده است، از زیر عرش جریان دارد و مبدا و نهایت آن بی پایان و نامحدود است و هر کس به اندازه ظرفیت ذهن صاف و پاکش از آن دریافت و بهره ای دارد (طالقانی، ۱۳۵۸، ج ۴، ص ۲۷۸). این مفهوم در کاربرد تمثیلی آن در اکثر باغ های ایرانی به صورت کالبدی جوی آبی که از طبقه زیرین کوشک سرچشمه می گیرد به نمایش درمی آید که به حوض جلوی عمارت می ریزد. حوض و آبنا و استخر در مظهر قنات باغ ایرانی، ساخته می شده است که پس از بیرون آمدن آب در طبقه همکف و ریختن به حوض به سمت استخر جلوی عمارت هدایت می شده است. جاری شدن آب از حوض زیر عمارت و یا جلوی آن، تصویر بهشتی کوثر را به ذهن می آورد، چنانچه این برداشت تمثیلی از باغ های بهشتی را مولف تاریخ عباسی (منجم، ۱۳۶۶، ص ۱۶۲) در وصف احداث نهر منسعب از زاینده رود در باغ هزار جریب اصفهان به سال ۱۰۰۶ ه.ق.، چنین به شعر در آورده است: دوش عقلم گفت آب کوثری- در بهشتی از شبی آمد پدید.

۵-۴ گیاهان در بهشت و انطباق آن با باغ های ایرانی

در فرهنگ اسلامی درخت نمایش رحمت الهی است که نه در شرق است و نه در غرب، چنانچه در مرکز قرار دارد و مظهر رحمت روحانی و تنویر است، نور الله که زمین را منور می سازد. (همانند درخت زیتون که هم روزی ده است و هم چراغ: الله نور السموات و الارض مثل کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجه کانه کولک دری و ... «سوره نور: ۳۵».) در قرآن کریم نیز به عنوان کلام الهی و الهام بخش اندیشمندان و هنرمندان، بارها و بارها از واژه درخت و انواع مختلف آن مانند طوبی، خرما، زیتون، انار، انجیر و... نام برده شده است و معانی بسیار عمیق و با ارزش را به صورت نمادین به کمک آن بازگو نموده است (فریود، ۱۳۸۰، ص ۶۴). تعبیر درخت در قرآن بسیار متنوع و شگفت انگیز است: مثلاً در سوره یس در بحث آفرینش و حیات باز پسین، خداوند پدید آمدن آتش از درخت سبز ... را به عنوان پدیده ای شگفت آور و عبرت آموز نقل می کند. درعین حال، می توان گفت که والاترین درختان در قرآن، درخت سدره المنتهی یا درخت طوبی است که در بهشت مأوی دارد. شایان ذکر است نماد و مفهوم درخت در کلام الهی، صورتی جهانی نیز دارد که به لحاظ جایگاه و قداست در مقابل درخت طوبی است، چنانچه این درخت «زقوم» نام دارد و در جهنم می روید.



اشجار گیاهان و سایه آن‌ها از زیباترین تعابیر بهشتی بشمار می‌روند که در باغ و پردیس سازی ایرانی بسیار مورد توجه بوده‌اند چنانچه استفاده از درختان انبوه و پهن برگ و یا درختان بلند قامت (افرای سرخ ارغوان معمولی) یا گیاهان با بافت نرم و شاخه‌های منعطف (انجیر، زیتون و بید مجنون) یا درختان مثمر به کرات در باغ ایرانی در شرایط اقلیمی گوناگون ایران دیده می‌شود. در این میان با استناد به قرآن کریم و تفاسیر طوبی، سدره، سدر و طلح از جمله درختان زیبای بهشتی هستند که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته‌اند. این امر در آرای جهانگردان و شیاحان خارجی نیز بازتاب‌هایی خاص داشته است که نشان از اهمیت درختان و گیاهان در جلوه‌دهی باغ‌های ایرانی و ایجاد مفهوم تمثیلی بهشت در باغ ایرانی را دارد چنانچه کمپفر ترکیب درختان گیاهان و گل‌ها در باغ‌های ایرانی را تمثیلی از بهشت نازل دانسته است (کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۱۹۵): «این باغ‌ها از نظر آنکه با عمارات و قصور کوچک دلربا باغچه‌های شکوفان، بوته‌ها و گل‌های نادر دست‌چین و انواع و اقسام آبگیرها و فواره‌ها آراسته شده است، حکم بهشت روی زمین را دارد». بر این اساس انواع گیاهان باغ‌های بهشتی که در مقام تمثیل در باغ‌های ایرانی نیز بوفور یافت می‌شود را می‌توان چنین تقسیم‌بندی کرد:

- گیاهان گرمسیری و سردسیری.
- گیاهان داربستی و غیرداربستی.
- گیاهان میوه‌دار و غیرمیوه‌دار (مثمر و غیر مثمر).
- گیاهان خودرو و غیرخودرو.
- گیاهان سایه‌دار و غیرسایه‌دار.
- گیاهان متشابه و غیرمتشابه.

از سویی دیگر می‌توان تقسیم بندی دیگری نیز از درختان و گیاهان باغ‌های بهشتی ارائه کرد که در روند تحقیق حاضر بدست آمده است. این تقسیم بندی را می‌توان چنین بیان نمود:

- تقسیم‌بندی بر اساس شرایط اقلیمی و جغرافیایی؛
- تقسیم‌بندی بر اساس نوع و چگونگی کاشت؛
- تقسیم‌بندی بر اساس نوع محصول دهی؛
- تقسیم‌بندی بر اساس نوع شکل و فرم گیاهان؛
- تقسیم‌بندی بر اساس فواید جنبی؛
- تقسیم‌بندی بر اساس نوع و مکان کاشت.

در این تقسیم‌بندی به شرایط اقلیمی و جغرافیایی در کاشت گیاهان اشاره می‌شود، هرچند که در بهشت، دما و محدودیتهای زندگی مادی وجود ندارد، چنانچه منظور از این گفتار تنها ذکر این نکته است که به دلایل مادی در این جهان خاکی امکان کاشت گیاهان گرمسیری و سردسیری در کنار هم وجود ندارد، ولی در بهشت و باغ‌های بهشتی محدودیتهای طبیعی و محیطی (دما، سردی، گرمی و ...) وجود ندارد (سوره انعام، آیه ۹۹). در ترجمه تفسیر نمونه ذیل این آیه چنین آمده است (تفسیر



نمونه، ج ۵، ص ۳۶۵): او کسی است که از آسمان آبی نازل کرد و بوسیله آن گیاهان گوناگون رویانیدیم، از آن شاخه‌های سبز خارج ساختیم و از آن دانه‌های مترکم و از شکوفه نخل، خوشه‌ها با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم و باغ‌ها از انواع انگور و زیتون و انار، شبیه یکدیگر و بی شباهت، هنگامی که میوه می‌کند به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن نشانه‌هایی برای افراد با ایمان است.

در این رابطه با این مفهوم می‌توان به گیاهان داربستی و غیر داربستی (سوره اعراف، آیه ۱۴۱) اشاره داشت که تفاسیر در رابطه با معنای «معروش و غیرمعروش» به ۳ نکته اشاره داشته اند: ۱. درختانی که روی پای خود نمی‌ایستند و نیاز به داربست دارند و درختانی که بدون نیاز به داربست، روی پای خود می‌ایستند (تفسیر نمونه ج ۶ ص ۳). ۲. منظور از معروش درخت اهلی است که بوسیله دیوار و امثال آن در باغ‌ها حفاظت می‌شود و غیرمعروش، درختان بیابانی، جنگلی و کوهستانی است. ۳. معروش درختی است که بر سر پا ایستاده و یا بر روی زمین بلند شده، اما غیر معروش، درختی است که به روی زمین می‌خوابد و پهن می‌شود. همچنین می‌توان به درختان و زراعت در یک زمان در باغها اشاره کرد (النخل و الزرع).



منظور مثمر و غیر مثمر بودن گیاهان در باغ است، چنانچه برخی گیاهان باغ ایرانی دارای ثمر بوده اند و مابقی برای جلوه بصری و یا سایه‌دار بودن آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. در ضمن می‌توان به گیاهان مورد استفاده برای حیوانات و گیاهان کاشت شده در کرت باغ‌ها نیز اشاره کرد. همچنین بایستی به گوناگونی ثمرات در گیاهان مثمر اشاره داشت: لهم فیها من کل الثمرات (سوره محمد، آیه ۱۵) / برای آن‌ها در بهشت از تمام انواع میوه‌ها موجود است (تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۴۱). در این رابطه می‌توان به آیه ۱۴۱ سوره اعراف اشاره کرد، چنانچه تفسیر نمونه (ج ۶، ص ۲) بدان اشاره دارد: باغ‌های معروش (باغ‌هایی که درختانش روی داربست‌ها قرار می‌گیرند) و باغ‌های غیرمعروش (درختانی که نیاز به داربست ندارند) را آفرید. همچنین در ادامه آیه آمده است: و النخل و الزرع مختلفا اكله و الزیتون و الرمان متشبهها و غیرمتشبهه. این آیه به این نکته اشارت دارد که نخل و انواع زراعت از نظر میوه و طعم و نوع متفاوت هستند که در انطباق با انواع کشتهای درختی خودرو و زراعی در وسط باغهای اسلامی قابل فهم است. همچنین به گوناگونی درختان با میوه های متشابه ولی در عین حال غیر متشابه از نظر طعم و خاصیت می‌پردازد. در این رابطه منظور فواید گیاهان، غیر از میوه‌دهی و ثمربخشی آن‌هاست که شامل سایه‌دهی (سوره نساء، آیه ۵۷) و ایجاد آرامش و سکینه درون و یا نشانه‌ای از قدرت پروردگار برای انسان می‌باشد. منظور مکان کاشت گیاهان از لحاظ قرارگیری در باغ است تا بهترین کیفیت در محصول دهی یا فواید حاصل از آنها فراهم شود، چنانچه در سوره نور آیه شریفه ۳۵ آمده است: (... یوقد من شجره مبارکه زیتونه لا شرقیه و لا غربیه...). در تفسیر این آیه می‌توان به تفسیر نمونه (ج ۱۴، ص ۴۷۷) اشاره کرد که بر مکان مناسب برای کشت گیاهان و در نظرگیری آن در کاشت اشاره دارد، چنانچه آورده شده است: ... آن‌هم درختی که تمام جوانب آن بطور مساوی در معرض تابش آفتاب باشد، نه در جانب شرق باغ و کنار دیواری

قرار گرفته باشد و نه در جانب غرب که تنها یک سمت آن آفتاب ببیند و در نتیجه، میوه آن نیمی رسیده و نیمی نارس و روغن آن نا صاف گردد. علاوه بر این می توان به سوره کهف آیه ۳۲ اشاره کرد که ذیل آن در تفسیر نمونه (ج ۱۲، ص ۴۲۶) آمده است: (...داستان آن دو مرد را که برای یکی دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم و در گرداگرد آن درختان نخل و در میان این دو زراعت پر برکت ... که به مکان کاشت زراعت در وسط باغ اشاره دارد که گرداگرد آن درختان انگور قرار دارد و دورادور آن ها را درختان نخل فرامی گیرد. همچنین در سوره سبأ آیه ۱۵ آمده است: (...جنتان عن یمین و شمال... یعنی دو باغ عظیم و گسترده از راست و چپ) (تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۵۶). در ادامه به برخی از درختان باغهای بهشتی اشاره می شود:

▪ **سدر مخضود و طلح منضود:** در آیات ۲۸ و ۲۹ سوره واقعه از سدر مخضود (درختان سدر پر میوه بی خار) و طلح منضود (درختان موز پر برگ سایه دار که میوه شان از پایین تا بالا روی هم چیده شده) نام برده است.

▪ **طوبی:** کلمه طوبی تنها در سوره رعد آیه ۲۹ آورده شده است که از نظر لغوی به معنای زندگی پاک، دوام خیر و فرح و چشم روشنی نظیر اینها آمده است. تفاسیر قرآن بر اساس روایتی از رسول اکرم طوبی را درختی در بهشت دانسته اند که ریشه اش در منزل رسول خدا (ص) است و هیچ منزلی در بهشت نیست، مگر آن که از آن درخت یک شاخه در آن خانه کشیده باشند. در تفاسیر دیگر نیز گفته شده است که (الطبر سی، شیخ ابوعلی بن الحسن، ج ۵، ص ۷۵) اندازه سایه آن صد سال راه است و دو چشمه از زیر آن بیرون می آید: کافور و سلسبیل.

▪ **سدره المنتهی:** تفاسیر سدره المنتهی را درختی دانسته اند که بر بالای آسمان هفتم در اصل عرش قرار دارد و برگ آن بر سر عالمیان است. در جای دیگر نیز ذکر شده است که حضرت رسول در شب معراج چون به آن رسیده، دیده است که چهار جوی بهشتی از زیر آن بیرون می آید.

۴-۶ محصوریت در بهشت و انطباق آن با باغهای ایرانی

در سوره الزمر آیه شریفه ۷۳ با ذکر باغهای بهشتی به این نکته اشاره می شود که در هنگام ورود نیکوکاران درهای بهشت گشوده می شود و نگهبانان به آنها می گویند: سلام بر شما! ... داخل بهشت شوید و جاودان بمانید (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۵۳). این امر اشاره دارد که باغهای بهشتی دارای درهای گوناگون می باشند که در باغسازی ایرانی به صورت محصوریت کالبدی به نمایش در می آید و شاید همین محصوریت در اقلیم گرم و خشک ایران است که باعث تقویت این دیدگاه در جهانگردان خارجی و سیاحان اروپایی شده است، چنانچه دونالد ویلبر در کتاب باغهای ایران و گوشک های آن، دلیل تمثیل باغ ایرانی به بهشت را گرمای سوزان و بیابان های لم یزرع می داند، چنانچه می آورد: «هنگام پیمودن جاده طویل بغداد - تهران در گرمای سوزان تابستان دانستم... قهوه خانه هایی ...



دارای حوض آب و ... باغچه‌هایی معطر که نهر آبی در آن جریان داشت، بلافاصله تشبیه بهشت باغ به بهشت که ایرانیان مکرر به آن اشاره می‌کنند، در نظر من امری طبیعی جلوه نمود» (ویلبر، ۱۳۴۸، ص ۱۲). علاوه بر این قرآن کریم در چهار آیه به درهای بهشت می‌پردازد که در سوره رعد آیه ۲۳ به داخل شدن بهشتیان از هر درب اشاره شده است. همچنین تفسیر اطیب البیان، هشت درب بهشت را به هشت بهشت تفسیر می‌کند که هر یک از بهشتیان بر اساس مرتبت روحانی و درجات ایمان و پرهیزگاری از یکی از آنها وارد می‌شوند. علاوه بر این در طرح باغ هستی‌الگوی ایرانی برای طراحی یک فضای شهری (نقی‌زاده، ۱۳۸۵، صص ۷۶) که الگویی از باغ ایرانی منبعث از جهان‌بینی اسلامی را پیشنهاد می‌کند به درهای گوناگون در عرصه تقسیمات داخل قلمرو درونی و محدوده‌های اول و دوم باغ هستی، پرداخته شده است.

۴-۷ نام‌های بهشت در قرآن کریم و انطباق آن با باغ‌های ایرانی

درباره نام‌های بهشت در قرآن کریم می‌توان به اسامی خاص و اسامی عام اشاره کرد که در اکثر تفاسیر بهشتی از هفت یا هشت بستان بهشتی نام برده شده است که عبارتند از (کاشانی، ۱۳۴۴، ص ۱۳۰): جنت فردوس، جنت عدن، جنت نعیم، دارالخلد، جنت الماوی، دارالسلام و علیون (علیین) که هر کدام مراتب و درجات متفاوت دارند که به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

- **باغ ارم؛** در آیه ۷ و ۸ سوره والفجر آمده است که: (ارم ذات العاد)، (التي لم يخلق مثلاً فی البلاد= آنی که همتایش در شهرها آفریده نشد)، در تفاسیر داستان بهشت ارم را که یکی از افسانه‌های معروف قدیمی عرب است، روایت کرده‌اند و در تاریخ مازندران نیز در این رابطه آمده است که: گویند واضح باغی است مشهور به ارم و برخی برآنند که ارم، باغ شداد است که چون هود پیغمبر تو صیف بهشت الله تعالی کرد، وی در عوض بساخت. بنابراین که شداد از احفا ارم است این باغ را اضافه بدو کرده، ارم می‌گویند.
- **دارالسلام؛** در قرآن کریم این نام دو بار تکرار شده که عمدتاً دو معنا برای آن ذکر شده است (انصاری و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۶): سلام نام خداست و دارالسلام به معنی خانه یا سرای خدا بهشت است، عند ربهم. سلام از نظر لغوی یعنی دور بودن از آفات ظاهری و باطنی و دارالسلام به معنای محلی است که در آن هیچ آفتی از قبیل مرگ مرض و فقر و غم و اندوه ساکنان را تهدید نکند.
- **جنات الفردوس؛** در روایتی از حضرت علی(ع) نقل شده است که: برای هر چیز اعلایی است و اعلای بهشت فردوس است. در اکثر تفاسیر در مآخذ کلمه فردوس اختلاف نظر هست و بعضاً آن را رومی، سریانی، نبطی و عربی دانسته‌اند. اصل این کلمه فارسی (پردیس) است و معرب فردوس فردس و جمع آن را فرادیس می‌گویند و به معنی باغ و بستانی است که دارای انواع گوناگون میوه و خاصه، انگور باشد. این تعابیر با باغ ایرانی و عناصر آن مانند کوشک و فراز و فرود باغ ایرانی هماهنگی کامل دارد.



▪ **روضات الجنات؛** روضه را به معنای چمنزار، باغ‌های سرسبز، باغ با طراوت و باغستان و مرغزار پر از ریاحین و چشمه‌های روان دانسته‌اند که بر این اساس در مجموع روضه به معنای زمین سبز و خرمی است که درختان و گیاهان در آن می‌رویند و کلمه جنت زمینی است که درخت‌کاری شده باشد و درختانش بر زمین سایه گسترده باشند. همچنین روضات الجنات از نام‌های زیبای بهشتی است که در قرآن کریم دو بار بصورت ترکیبهای لغوی روضه و روضات الجنات بکار رفته است. بر این اساس بنظر می‌رسد روضات الجنات، باغ‌های مشجری است که در وسط زمین سبز و خرمی را فرا گرفته باشد. این تعبیر در باغ ارم شیراز دیده می‌شود (انصاری، ۱۳۶۷، ص ۱۱۳) چنانچه زمین چمنی در آن قرار دارد که ارتفاع آن پایین‌تر از پیاده‌روهای اطراف است و اطراف آن را درختان فرا گرفته است و دارای آلاچیق‌های ورودی زیبایی است که محلی برای استراحت در هنگام شب‌های تابستان است.

۵- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

عدن در قرآن ۱۱ بار ذکر شده است که جنات عدن را جایگاه پیامبران، شهدا و صدیقین و حکمای عادل دانسته‌اند. همچنین جنات عدن را وسط حقیقی بهشت دانسته‌اند که حصار آن یاقوت سرخ است. بر این اساس این تفاسیر از بهشت و باغ‌های بهشتی یادآور بادگیرها در مناطق کویری و انتقال باد به حوضخانه کوشک و تمثیل از این تصاویر بهشتی از زبان تفسیر قرآن است. چنانچه اشاره شد جنات عدن در وسط بهشت قرار دارد و بلندترین درجه بهشت است که جایگاه پیامبران امامان و صدیقین است. کلمه فردوس (بهشت) از لغت فارسی پردیس گرفته شده که خود از کلمه پرادئزا در زبان مادی مشتق شده است. در تشبیه باغ‌های ایرانی در بعد از اسلام کلمه فردوس با مفهوم تمثیلی (تمثیل بهشت برین) استفاده می‌شده که کاربردی غیر از کلمه پردیس قبل از اسلام (به معنی بوستان) داشته است. در ضمن باید بین نام‌های تمثیلی و واقعی باغها تفاوت قایل شد، هرچند که ممکن است نام واقعی باغها نیز نامی تمثیلی بوده باشد اما در برخی متون ادبی و شعر و تاریخی برای توصیف باغ از نامهای تمثیلی استفاده می‌شده است: بهشت شاه عباس، تالار فردوس، باغ جنان، خلد برین، ثانی خلد، باغ بهشت آسای، روضه فیض انما، صفاهان جنت نشان، روضه رضوان، فردوس برین، رشگ گلستان ارم، باغ بهشت، بساتین بهشت آیین، ریاض قدس، چهار باغ، بهشت آیین و صحن جنان، دالان بهشت، باغ بدیع، باغ رفیع، باغ قدس) و هشت بهشت.

(*) اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است. (تعارض منافع به حالتی گفته می‌شود که منافع شخصی مادی یا غیرمادی نویسنده یا نویسندگان با نتایج پژوهش در تعارض باشد و این موضوع بر روند انجام پژوهش یا اعلام صادقانه نتایج تأثیر بگذارد).



منابع و ماخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آریانپور، عباس (۱۳۵۸) فرهنگ کامل انگلیسی فارسی، جلد ۲.
- ۳- ابن بطوطه (۱۳۱۷) تحفه النظار فی غرایب اللمصار و عجایب الاسفار (سفرنامه)، ترجمه محمد علی موحد، تهران.
- ۴- اقتداری، احمد (۱۳۵۳) دیار شهریاران یا آثار و بناهای تاریخی خوزستان دو جلد انجمن آثار ملی به نقل از پیلیم. م رساله فارسی کاخ داریوش در شوش ترجمه و اقتباس محمد خان ملک یزدی تهران: چاپ دوم ۱۳۳۸ هجری شمسی.
- ۵- الحسینی، حسین بن احمد (۱۳۶۴) تفسیر اثنی عشری، تهران، انتشارات میقات، چاپ اول، ج ۸.
- ۶- الخزایی النیشابوری (۱۳۷۶) روض البیان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۷- الیگیری، دانت (۱۳۳۵) بهشت (کمدی الهی)، ترجمه و مقدمه شجاع الدین شفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۸- انصاری، مجتبی (۱۳۷۸) رساله پایان نامه دکتری با عنوان: ارزشهای باغ ایرانی صفوی اصفهان، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، راهنمایی دکتر داراب دیبا و مشاوره فرهاد ابوالضیاء و دکتر باقر آیت الله زاده شیرازی.
- ۹- بهزادی، رقیه (۱۳۶۸) بندهش هندی تهران، (تصحیح و ترجمه) انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۰- پنجامین س. ج. و. (۱۳۶۳) ایران و ایرانیان (عصر ناصر الدین شاه)، ترجمه حسین کرد بچه، انتشارات جاویدان، تهران.
- ۱۱- خواند میر، خواجه غیاث الدین (۱۳۶۲) تاریخ حبیب السیر، تصحیح زیر نظر: محمد دبیر سیاقی، تهران، جلد ۴، چاپ سوم، کتابفروشی خیام.
- ۱۲- دهخدا (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم از دوره جدید.
- ۱۳- روحانی، غزاله (۱۳۷۱) طراحی باغ و احداث فضای سبز، تهران، انتشارات فرهنگ جامع.
- ۱۴- طالقانی، سید محمود (۱۳۵۸) تفسیر پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، جلد ۴.
- ۱۵- طباطبایی سید محمد حسین (۱۳۶۳) ترجمه تفسیر المیزان ترجمه محمد باقر موسوس همدانی انتشارات رجا.
- ۱۶- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳) سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، انتشارات خوارزمی، تهران
- ۱۷- گیلانی، شیخ علی (۱۳۵۲) تاریخ مازندران، به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۸- منجم، ملا جلال الدین (۱۳۶۶) تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، بکوشش سیف الله وحید نیا، تهران، انتشارات وحید.



- ۱۹- ناس، جان (۱۳۷۰) تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۲۰- ویلبر، دونالد (۱۳۴۸) باغ‌های ایران و کوشک‌های آن، ترجمه مهین دخت صبا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- ۲۱- هنر فر، لطف الله (۱۳۴۵) گنجینه آثار تاریخی اصفهان، انتشارات ثقفی، اصفهان.
- ۲۲- هنر فر، لطف الله (۱۳۵۴) باغ هزار جریب و کوه صفه (بهشت شاه عباس)، هنر و مردم، سال ۱۴، شماره ۱۵۷.

George lechler , THE TREE OF LIFE IN INDO- EUROPEAN AND ISLAMIC CULTURES, Art Islamica ,Vol. IV, Ann Arbor Press 1968 , P370



نشریه علمی بوطیقای
معماری، سال اول، شماره
دوم

۶۳



چکیده لاتین

Investigating the concept of environment and nature in an Iranian garden with reference to accrual ecology approach

Abstract

The epistemological point of view of Iranians in the planning and construction of gardens and campuses can be evaluated and reviewed in the context of various approaches, among which the two approaches of "climatic ecology" and "obligatory ecology" are more important. To be On the other hand, Iranians have never seen their interaction and the way they deal with the environment apart from their culture and religion, and it is in the context of this that Iranian garden architects are trying to create an allegorical meaning of heaven in Iranian gardens and campuses. Make a show Based on this, in this article, in a comparative analytical approach and by referring to the verses of the Holy Qur'an, interpretations and narrations, it has been tried to show the effects of these concepts on the elements and components of the garden by referring to the Holy Qur'an's view of heaven and heavenly gardens. Iran should be mentioned to confirm that commitment ecology has been effective in Iranian Islamic garden and campus construction. The results of this research show that the nature of the Iranian garden has an allegorical concept of heaven, which shows itself in the elements of Iranian gardens, especially the four gardens of the Safavid era.

Key words: Holy Qur'an, heaven, commitment ecology, Iranian garden and campus planning.



نشریه علمی بوطیقای
معماری، سال اول، شماره
دوم

۶۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی